

پیرامون برخی واژه ها

۲ - مجمع عالی حزب وطن

این بحث اگر از لحاظ تشکیلاتی بحث اعضای حزب وطن است ، از لحاظ سیاسی و تاثیرات متقابل آن در مقیاس جنبش وطنپرست کشور ساحه وسیع تر را احتوا میکند . با توجه به دستاورد ها و اشتباهات تاریخی این حزب از یکطرف و نقشی که در صورت سازماندهی مجدد میتواند ایفا نماید از جانب دیگر ، مسئله به پا ایستادن آن ، این بحث را بیشتر رنگ و بوی سیاسی میدهد تا یک پروسه محض تشکیلاتی .

زمانیکه مسئله تدویر مجمع عالی حزب مطرح میگردد ، قبل بر همه دو تجربه و یا دو امکان اذهان را بخود معطوف میدارد (۱) تدویر کنگره مطابق تعریف و چوکات بندی اساسنامه بی (۲) کنگره اساس گذار (مجلس موسسان) . آیا یکی ازین تجارب و امکانات میتواند راه بازگشت حزب وطن را به عرصه فعال و مؤثر سیاسی بگشاید ؟
نگاه گذرا به عقب و وضعیت موجود ما را به ارائه پاسخ منفی میرساند زیرا :

— تجارب بیشتر از بیست حزب و سازمان ایجاد شده از بدنه حزب وطن نشان داد که ایجاد احزاب و سازمانهای «جدید» راه حل تجمع دوباره امکانات و ریزرفهای حزب وطن را بدست داده نمیتواند ، خواه این تلاشها از طریق تدویر مجلس مؤسسان بعمل آید ، خواه تدویر کنگره های جداگانه گروه محوریسیله قرار داده شود ، خواه بر حمایت های انجوهی تکیه شود که اهداف خاص را مدنظر دارند

تدویر مجمع عالی (کنگره) بر مبنی معیار های اساسنامه بی نیز عملاً امکان پذیر نیست زیرا :
حزب وطن در اثر خیانت از درون و فشار از بیرون از لحاظ تشکیلاتی در وضعیتی فرو پاشید که فرصت نیافت تا وابسته گی اش را با دولتی که سلفش تاسیس و خودش آنرا رهبری میکرد پایان دهد و سرنوشت جدا از سرنوشت دولت را دنبال نماید .
حزب وطن درست زمانی هدف حملات کین توزانه و هماغنگ از داخل و بیرون قرار گرفت که برای وداع با سیاست های یکه تازانه ، خود محور و وابسته نه تنها عزمش را جزم بلکه با اتخاذ تدابیر و اقدامات عملی آغاز این جدایی را اعلام داشت .

حزب وطن با اعلام سیاستهای جدید راهی را در افغانستان گشود که برغم توطیه های گسترده و تلاشهای هماغنگ و حتی بعد از بقدرت رسیدن مخالفین توطیه گر آن نه تنها بدیلی برای آن ارائه نگردیده بلکه امروز نیز در فهرست مطرح ترین وظایف قرار دارند . بکار بستن نگاه جدید سیاسی به پرابلمهای جامعه که با توجه به وضعیت ناشی از مناسبات جدید سیاسی جهان ، در افغانستان به نحو جدی وارد مقوله های سیاست عملی گردید ، حقایق خود را در تجارب کشور های مختلف به اثبات رسانید ؛ بدون شک تحقق وظایف مطروحه به معنی پایان بحران در کشور بود و همین خصوصیت دشمنی بزرگی را با آن بر انگیخت ، بدون شک پالایش این اندیشه ها از گرد و غبار که در نتیجه سوء استفاده ها و سوءتعبیرها به روی آن ترسب نموده و طرح دوباره آن در هماغنگی به خواست شرایط جدید جامعه ما خصوصیتی است که آنرا از انحصار حزب وطن بیرون کشیده و به مسایل جنبش وطنپرست و صلحدوست و ترقی پسند کشور مبدل میسازد . بدین ترتیب ورود دوباره حزب وطن به عرصه سیاست فعال و مؤثر کشور ، حضور آن در متن جنبش ترقی پسند کشور معنی میدهد نه در تقابل و مسابقه با آن و نه در فوق آن .

یکی از دلایل عمده ایکه بقیه السیف حزب وطن را با مسئله سنگین تجزیه به گروه ها و تحزب روبرو ساخته و تلاشها برای پایان دادن آنرا با مشکلات مواجه میسازد از مبرمیت ملی و انگیزنده همگرایی دیدگاه های آن ناشی میگردد .

امروزه اعضای حزب وطن در بیشتر از بیست حزب و سازمان و چندین حلقه و محفل دور هم جمع شده اند ، این در حالیست که اکثریت آن بنا بر دلایل متفاوت هنوز پراکنده اند . البته حساب آناتیکه خط خود را از خط اندیشوی حزب وطن جدا ساخته ، جداست . آنان نه مخاطب و نه موضوع بحث جاری ماست .

بدین ترتیب هم اعتقادات و دیده گاه های حزب وطن و هم اعضای آن در گستره سیاسی کشور حضور دارند ، هر قدر این حضور پسلف و غیر فعال باشد، حقیقت وجود آنرا نفی نموده نمیتواند ، بلکه دلایل دیگری مسبب این وضعیت است ، آنچه نیست و باید باشد سازمان و تشکل واحد است . طبیعی است که پراکنده گی تشکیلاتی، پراکنده گی سیاسی ، تناقض دیدگاه ها و مصروفیت بین الگروهی را بار آورده که دلیل اصلی کم وزنی آنها را در بیلانس سیاسی کشور تشکیل میدهد .

در اساسنامه حزب چنین وضعی پیشبینی نشده بود ، واصلآ قابل پیشبینی هم نبود . لذا تدویر مجمع عالی (کنگره) مطابق اصول اساسنامه وی امکان پذیر نیست . این کنگره تنها میتواند با تشریک مساعی و شرکت اعضای متشکل (احزاب ، سازمانها ، حلقات و محافل ایجاد شده از بدنه حزب وطن) و اعضای غیر متشکل (آنده اعضای حزب که در هیچ یکی از ساختار های انسجامی اعضای حزب وطن عضویت ندارند) به عنوان پاسخ به وضعیت غیر متعارف پراکنده گی دایر گردد . هیچ عضو حزب نمیتواند ازین روند مستثنی گردد ، حتی آناتیکه با توجه به اعمال و اقدامات خود توسط حزب مجازات گردیده و این مجازات را در حق خود عادلانه نمیدانند میتوانند برای دادخواهی در آن شرکت ورزند ، مگر اینکه راه خود را اعلام شده از حزب جدا نموده باشند .

قابل یاد آوری میدانم که بعضی ها نا دانسته و بعضی ها عمدی و محاسبه شده، بمنظور دریافت یشتوانه برای طرح اتهامات نادرست و بمنظور ایجاد سو تفاهم و تعمیق فاصله ها برخی واژه ها را دستکاری مینمایند مثلاً به جای احزاب، سازمانها، حلقات و محافل ایجاد شده از بدنه حزب وطن ، احزاب، سازمانها و محافل جدا شده از حزب وطن را مطرح و بر پایه همین تهمت ،فرضیه ها و ادعا های خود را مطرح و انکشاف میدهند .

سازمانهای جدا شده از بدنه حزب وطن ، سازمانهای اند که در ضدیت با حزب وطن و در مخالفت با اهداف و آرمانهای آن ، در زمان حضور سیاسی و تشکیلاتی حزب وطن راه خود را از آن جدا ساخته بودند .

مراد از سازمانها ، احزاب ، حلقات و محافل ایجاد شده از بدنه حزب وطن ، آن ساختار های انسجامی اعضای حزب وطن اند که بعد از فروپاشی حزب در نتیجه تلاش همگرایی حزبی ها بوجود آمده اند .

ما در حالیکه این تلاشها را تحسین میکنیم و به فعالین و اشتراک کننده گان این پروسه احترام عظیم قایلیم و آنرا در آغاز کار روند مثبت ارزیابی میکنیم ، امروز که در نتیجه آن تلاشها و اوضاع جدید سیاسی در کشور ، وحدت تمام این محور ها در یک تشکل به اصلی ترین خواست سیاسی - تشکیلاتی اعضای حزب و خواست نهضت وطنپرست کشور مبدل گردیده، که ما تحقق آنرا از طریق مراجعه به خرد جمعی حزب (کنگره) ممکن و عملی میدانیم ، پافشاری بر مرز های ایجاد شده تشکیلاتی را و تلاش برای نهادینه سازی افتراق راکه در قالب اخلاص روند همگرایی حزبی اظهار وجود میدارد گناه و خیانت به این خواست و پروسه میدانیم .

پرسش های پاسخ نیافته زیاد در روی راه تدویر مجمع عالی حزب وطن وجود دارد ، که در پروسه تدارک با مدیریت کمسیون عالی تدارک و تدویر مجمع عالی پاسخ خود را دریافت خواهد کرد